

رمانتیسیسم در موسیقی

مقالاتی در زمینه رهبری ارکستر و نقد آثار آهنگسازان دیگر ارایه می‌داد. در حال حاضر با گذشت بیش از یک قرن، این نوشته‌ها هنوز با ارزش‌ترین منابعی هستند که می‌توان به وسیله آنها بینشی در مورد موسیقی آن دوران به دست آورد.

علی مشعوف

فرم‌های موسیقی قرن نوزدهم

طی قرن نوزدهم هارمونی تنال (Tonal) به‌طور وسیعی گسترش یافت. کروماتیسیسم به‌طور آزادانه‌تری به کار گرفته شد و استفاده از آکوردهای نامطبوع در ضرب‌های قوی و ضعیف میزان‌ها تأثیری دراماتیک بر روی موسیقی ارکستری گذاشته بود. آهنگسازان رمانتیک عموماً خطوط ملودی تغزلی و طولانی را ترجیح می‌دادند. این ملودی‌ها به‌طور متنوع تکرار و گاهی نیز به منظوری مشخص دچار دگرگونی و تغییر حالت می‌شدند. با بزرگ شدن ارکستر و اضافه شدن رنگ‌های جدید به صدای ارکستری، برای اولین بار اصول سازبندی (ارکستراسیون) خود به عنوان یک هنر مطرح گردید.

فرم‌های رایج قرن هجدهم نیز تغییر سبک از کلاسیک به رمانتیک را نشان دادند. کنسرتوی دوران رمانتیک دارای ملودی‌هایی با حالت تغزلی بیشتر، سازبندی رنگ‌آمیزی شده بیشتر و هارمونی‌های گسترش یافته بود. آهنگسازان رمانتیک به جای اینکه کادنتس‌ها (Cadenzas) را برای بداهه‌سرایی در اختیار نوازنده سولو قرار دهند، آنها را می‌نوشتند و در این قسمت تأکید آنان بر مهارت نوازنده بود و در این راه قابلیت‌های وسیع سازهای پیشرفته‌ای مانند ویولون و پیانو پی بردند.

از آنجاییکه در دوره رمانتیک مسایل دنیوی از قبیل زیبایی‌های طبیعت نسبت به مسایل روحانی و معنوی بیشتر مورد توجه قرار گرفته بود، تعداد آثار کُرال آهنگسازان کاتولیک و پروتستان افزایش

ادبیات و موسیقی رمانتیک

جهت‌گیری قوی ادبی قرن نوزدهم، انواع شکل‌های هنر را تحت تأثیر قرار داد. با کنار رفتن موانع و قید و بندها در این قرن تمامی خصوصیات شاخص مکتب رمانتیک در اکثر آثار هنری نویسندگان، نقاشان و موسیقی‌دانان نمود پیدا کرد. شاعران رمانتیک از کلمات مانند اصوات موسیقی استفاده می‌کردند و موسیقی‌دانان متوجه رنگ صوتی شده بودند.

در حقیقت، موسیقی قرن نوزدهم به قدری به ادبیات نزدیک بود که هر یک به تنهایی غیرقابل درک و تصور است چنانکه در تفکر بسیاری از آهنگسازان رمانتیک، موسیقی و ادبیات به صورت یک حقیقت واحد شکل گرفت و مجموعاً به صورت یکی از خصوصیات بارز مکتب رمانتیک در آمد به طوری که اغلب آنها علاوه بر آهنگسازی با استفاده ماهرانه از کلمات به کار نویسندگی و نوشتن نقد در مورد آثار هنری زمان خود می‌پرداختند. روبرت شومان آلمانی در بین شخصیت‌های رمانتیک از اولین گونه‌ها بود. او با مقالاتی که در نشریه خود می‌نوشت موجب بالا رفتن سطح فهم و ذوق هنری طبقه متوسط جامعه شد. با اینکه در زمینه حقوق به مطالعه می‌پرداخت، شدیداً علاقه‌مند به آهنگسازی و به خصوص مجذوب ساخت موسیقی پیانو و قطعات آوازی (Art Song) شد. هکتور برلیوز فرانسوی نیز در یکی از نشریات ادواری فرانسه، ستونی ثابت به خود اختصاص داده بود و

چشمگیری نیافت. در عین حال، از آواز گروهی برای بالا بردن تأثیرات دراماتیک موسیقی استفاده می‌شد برخی از آهنگسازان رمانتیک در آثار سمفونیک خود از آواز گروهی نیز استفاده می‌کردند و به‌طور کلی آواز گروهی در قرن نوزدهم به عنوان یک بخش از مجموعه سازها مطرح بوده بنابر این بخشی جدا از ارکستر نبوده است. آهنگسازان رمانتیک به بیان، بیشتر از فرم علاقه‌مند بودند و اغلب آنها برای خلق آثار رمانتیک و ساخت قطعاتی که بر پایه ادبیات بودند از قوایید و فرم‌های سبک کلاسیک به‌طور آزادانه استفاده کردند و بدین ترتیب قطعات ارکستری که بر اساس عقاید فوق موسیقایی بودند، ایجاد شدند. هم‌چنین، تعدادی از آثار آهنگسازان برجسته رمانتیک که برای اجرا به صورت پس‌زمینه طی اجرای نمایشنامه‌ها نوشته شده بودند، در این دوره به لیست کنسرت‌ها وارد شدند. این موسیقی (Incidental Music) وقایعی را که در یک درام اتفاق می‌افتد با زبان موسیقی بیان می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان نمایشنامه «رویای شب نیمه تابستان» اثر «شکسپیر» را نام برد که «فلیکس مندلسون بارتولدی» آهنگساز آلمانی یک اورتور و چندین قطعه دیگر بر اساس این اثر نوشت.

تأثیر و سهم بزرگ‌تری که آهنگسازان رمانتیک با استفاده آزادانه از فرم‌های سبک کلاسیک در موسیقی قرن نوزدهم داشتند، ایجاد سه فرم ارکستری بود:

۱- کنسرت اورتور (Concert Overture): ذوق و سلیقه آهنگسازان رمانتیک برای نزدیک کردن موسیقی و ادبیات به یکدیگر منجر به خلق این فرم سمفونیک جدید شد. این فرم از اورتور مشتق شده ولی خود یک قطعه موسیقی مستقل به شمار می‌رود. اغلب از یک ایده ادبی یا دراماتیک الهام گرفته می‌شود و در مقابل اجرای صحنه‌ای بیشتر اجرای آن در کنسرت ترجیح داده می‌شود. این قطعه یک موومان از طریق موسیقی کشش و هیجان موضوع دراماتیکی را که

الهام‌بخش آن بوده، بیان می‌کند. از آهنگسازان شاخص این فرم می‌توان «پیتر چایکوفسکی» را نام برد.

۲- سمفونی برنامه‌ای (Program Symphony): جهت‌گیری ادبی تعدادی از آهنگسازان رمانتیک و ایجاد قطعاتی که بر اساس عقاید فوق موسیقایی بودند در ساخت سمفونی‌ها نیز تأثیر گذاشته بود. این قطعه چند موومان بر اساس اصولی غیر از قوایید مرسوم ساخته می‌شد و مطابق یک برنامه که حاوی توضیحاتی در مورد قطعه بود و نزد تماشاچیان قرار داشت، اجرا می‌شد. هکتور برلیوز، خالق سمفونی پنج موومان فانتاستیک رامی توان نماینده برتر آهنگسازان این فرم دانست.

۳- پوئم سمفونی (Symphonic Poem): قطعه ارکستری تک موومان است که می‌توان آن را به عنوان شعر بدون کلام تصور کرد. این فرم نیز نوعی موسیقی توصیفی با آوازک رمانتیک است. یک پوئم سمفونی دارای چندین بخش است و هر بخش را می‌توان از طریق تفاوتی که در حالت، آرایش سازها، تم یا ریتم به وجود می‌آید از بخش‌های دیگر تشخیص داد. فرانتس لیست مجارستانی نخستین آهنگسازی است که عنوان پوئم سمفونیک را به کار برد و اصول و قوایید آن را پایه‌ریزی کرد و ۱۳ اثر با این فرم از خود باقی گذاشت. بعد از او ریشارد اشتراوس آلمانی در این راه سعی بسیار کرد و آن را به اوج کمال رساند.

موسیقی تئاتری قرن نوزدهم

متحد و یک پارچه شدن موسیقی، درام و هنرهای تجسمی در موسیقی تئاتری آن را به فرم مطلوب بیان رمانتیک تبدیل کرد. ابراهام بسیاری از آهنگسازان رمانتیک، فرم هنری ایده‌آل محسوب می‌شد و در این دوره سبک‌های متنوعی در ابراهام وجود آمد. در اواسط قرن نوزدهم و در فرانسه، ابراهایی که در آنها به ابهت، عظمت و نمایش اهمیت داده می‌شد، محبوب و عامه‌پسند شده بودند. این آثار معروف به گراند‌اپرا (Grand Opera) اغلب بر اساس یک حادثه دراماتیک

تاریخی از قبیل جنگ‌ها، آشوب‌ها، غرق شدن کشتی‌ها و قتل‌ها ساخته می‌شدند و با صحنه‌های شاد و مارش‌های پیروزی رقابت می‌کردند تا مردمی از طبقه متوسط جامعه که برای سرگرم شدن به سالن اپرا آمده بودند را سرگرم و مهیج سازند. سبک دیگری از اپرا که در این قرن از نظر محبوبیت با گراند اپرا رقابت می‌کرد، اپرا کمیک (Opera Comique) بود که از آن کوتاه‌تر و در عین حال واقع‌گرایانه‌تر و در تکنیک‌های اجرایی معتدل‌تر و ملایم‌تر است.

آهنگسازان ایتالیایی نیز در ساخت اپرا، سبک بل کانتو (bel Canto) به نقطه اوج خود رساندند. معنی لغوی این سبک "آواز خواندن زیبا" است و در آن به زیبایی و استمداد هنری صدای آوازخوان تأکید می‌شود. در نهایت، آهنگسازان با ادغام نمودن موسیقی، درام و صحنه، موسیقی رمانتیک را به عظمتی وصف‌ناپذیر رساندند. جوزپه وردی در ایتالیا و ریشارد واگنر در آلمان را می‌توان از موثرترین آهنگسازان در این روند دانست. ورودی، استاد تکنیک‌های نمایشی، به خوبی با آواز خواندن زیبای مرسوم ایتالیایی آشنا بود و از سبک بل کانتو به‌طور موثری استفاده می‌کرد. اپراهای او همراه با موسیقی با شکوه، مملو از احساسات بشری هستند. او در هر دو جنبه موسیقی و سیاست، یک ناسیونالیست بود و عقیده داشت که ملت‌ها باید سبک‌های هنری ملی و متعلق به خود را از هرگونه تأثیر خارجی در آلمان و آزاد نگه‌دارند. در اپراهای وردی موسیقی بر اجزای دیگر حتی متن تسلط پیدا کرده و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اپرای مشهور «آیپدا» ساخته شده در سال ۱۸۷۱ به مناسبت افتتاح کانال سوئز، گراند اپرای او محسوب می‌شود. وردی در آثار بعدی خود تفاوت بین رسیئاتیو و آریا را محدود و این دو را به هم نزدیک‌تر کرد. بر خلاف اکثر آهنگسازان رمانتیک، وردی برای مدت زمانی نسبتاً طولانی (۸۸ سال) زندگی کرد. در

هفتاد و چهار سالگی اپرای اتللو (Otello) را بر اساس تراژدی شکسپیر و در هشتاد سالگی اپرای فالستاف (Falstaff) را بر اساس یکی از شخصیت‌های کمیک شکسپیر ساخت.

موسیقی تئاتری اواخر قرن نوزدهم در آلمان کاملاً در اختیار واگنر قرار داشت. او فرمی از موسیقی را ایجاد نمود که در آن کلام و موسیقی دارای اهمیت یکسانی هستند و در این فرم، موسیقی می‌تواند به راحتی درام را پیش ببرد. به خاطر وجود احساس دراماتیک قوی در او، تقریباً تمامی آثارش را برای صحنه می‌نوشت. در این آثار، ارکستر به واسطه حضور لایت موتیف‌ها در میان بافت ارکستری دارای اهمیتی بی‌سابقه است. انتقالات نمی‌در آثار واگنر به وسیله لایت موتیف که اغلب به یک شخص، اتفاق یا یک عقیده مشخص بازگشت داده می‌شود، انجام می‌گیرد. در حقیقت، قسمت‌های مشخصی از درام‌های واگنر به تنهایی توسط سازها اجرا می‌شوند. موسیقی به قدری قوی است و حس‌های دراماتیک به قدری توسط لایت موتیف‌ها واضح منتقل می‌شوند که شنونده به ندرت متوجه عدم حضور آواز می‌گردد. او نوعی ملودی بی‌پایان، گاهی سخن‌گونه می‌نوشت و در این میان گاهی به صورت خطوط تغزلی و هیجانی درمی‌آمد و بدون هیچ توقفی به حالت قبلی بازمی‌گشت. در واقع، ملودی واگنر نه رسیئاتیو است و نه آریا و سبکی مخصوص به خود دارد.

مکتب رمانتیک به قدری گسترده و طولانی بود که بازگشت ظاهری سبک کلاسیک را نیز تحت تأثیر قرار داد و اواخر نوزدهم دوره فوق رمانتیسیسم (Post Romanticism) نام گرفت. از مشهورترین آهنگسازان این دوره می‌توان ریشارد اشتراوس و گوستاو مالر را نام برد.

منبع:

1- J. Ferris, "MUSIC, The Art of Listening", 3rd ed., WmC. Brown Pub., 1991, chap. 21-24, 26.